

اسیران بی عدالتی: چگونه نظام بازداشت اسرائیل و استراتژی گروگان گیری حماس چرخه ای از رنج را تداوم می بخشد

درگیری مداوم بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها به صورت تراژیک در چرخه اسیران بازتاب یافته است: نظام بازداشت خودسرانه، شکنجه و غیرانسانی کردن فلسطینی ها توسط اسرائیل و گروگان گیری حماس در پاسخ به آن. هر دو عمل رنجی غیرقابل اندازه گیری تحمیل می کنند. فلسطینی ها تحت تهدید دائمی ناپدید شدن در سیستمی بدون روند قانونی عادلانه زندگی می کنند، در حالی که اسرائیلی ها برای عزیزانشان که توسط گروه های مسلح نگه داشته شده اند، سوگواری می کنند. نتیجه یک چرخه بی پایان از تروما، خشم و رادیکالیزه شدن است.

این چرخه می تواند شکسته شود – اخیراً از طریق توافق های مذاکره شده در اکتبر 2023 که ممکن بود اسیران هر دو طرف را آزاد کند. اما دولت اسرائیل به رهبری نخست وزیر بنیامین نتانیاهو و تحت فشار عناصر افراطی، به جای دیپلماسی، تشدید تنش را انتخاب کرد، مذاکره کنندگان کلیدی را کنار گذاشت و رنج را طولانی تر کرد. امتناع از پایان دادن به رژیم بازداشت غیرقانونی اسرائیل و رد کانال های دیپلماتیک، چرخه درد را تثبیت کرد.

رژیم بازداشت اسرائیل: بی عدالتی نهادینه شده

از سال 1967، اسرائیل از بازداشت اداری و دادگاه های نظامی در سرزمین های اشغالی فلسطین به عنوان ابزارهای کنترل استفاده کرده است. این مکانیزم ها کاملاً خارج از هنجارهای حقوقی بین المللی عمل می کنند. فلسطینی ها می توانند به طور نامحدود بدون اتهام یا محاکمه زندانی شوند، بر اساس شواهد مخفی، بدون امکان تجدیدنظر مؤثر. دادگاه های نظامی، با نرخ محکومیت نزدیک به 99.7٪، به عنوان ابزارهای اجبار عمل می کنند، نه عدالت. این اقدامات به طور مستقیم اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد 9 و 10)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد 9 و 14) و کنوانسیون چهارم ژنو (مواد 64-66) را نقض می کنند.

شکنجه و سوءاستفاده سیستماتیک است. گزارش های متعددی از نهادهای سازمان ملل و سازمان های حقوق بشری استفاده از ضرب و شتم، موقعیت های استرس زا، غرق مصنوعی، شوک الکتریکی، تحقیر جنسی و تجاوز با اشیاء را مستند کرده اند. گزارش سال 2015 حداقل 60 مورد شکنجه جنسی شده بین سال های 2005 و 2012 را ثبت کرد. این اعمال هم کنوانسیون علیه شکنجه (مواد 1 و 16) و هم ماده 7 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را که شکنجه را تحت هر شرایطی ممنوع می کند، نقض می کنند.

از 7 اکتبر 2023، این سوءاستفاده ها به طور چشمگیری تشدید شده است. تا اوت 2024، حداقل 53 زندانی فلسطینی در بازداشت جان باختند، بسیاری با نشانه های شکنجه. کودکان 14 ساله مجبور به برهنه شدن و تحمل رفتار تحقیرآمیز شده اند. در واقع، فلسطینی هایی که در چنین شرایطی نگه داشته می شوند، نه تنها از آزادی بلکه از انسانیت خود محروم

می‌شوند. با توجه به ماهیت سیستماتیک و قصد فشار بر جمعیت غیرنظامی، این اعمال به‌طور بالقوه با تعریف گروگان‌گیری تحت کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری 1979 مطابقت دارند، که شامل بازداشت افراد تحت تهدید آسیب یا مرگ برای اجبار طرف سوم – در این مورد، جامعه فلسطینی – به انجام اقداماتی است.

ویرانی روانی در جامعه فلسطینی

ترومای ناشی از بازداشت خودسرانه فراتر از دیوارهای زندان گسترش می‌یابد. خانواده‌ها در ترس دائمی زندگی می‌کنند که عزیزانشان – به‌ویژه کودکان – در شب ربوده شوند، بدون ارتباط نگه داشته شوند و مورد شکنجه قرار گیرند. برای بسیاری از فلسطینی‌ها، کلمه “دستگیری” به معنای روند قانونی عادلانه نیست – به معنای ناپدید شدن، خشونت و احتمالاً مرگ است. تا سال 2024، بیش از 9500 فلسطینی بازداشت شده بودند، که این امر ترس و اندوه جمعی را تغذیه می‌کند.

این رنج گسترده منفعل بودن را ایجاد نمی‌کند، بلکه مقاومت را به وجود می‌آورد. خانواده‌ها و جوامع، که به شدت به دنبال پاسخ هستند، اغلب به تنها نهادهایی که قول اهرم می‌دهند – گروه‌های مسلح – روی می‌آورند. این توجیه خشونت نیست، بلکه تصدیق واقعیت روانی است: وقتی فرزند شما به‌طور غیرقانونی زندانی و شکنجه می‌شود و احتمال بالایی وجود دارد که دیگر او را زنده نبینید، گزینه انجام هر کاری برای اطمینان از بازگشت او عمیقاً انسانی است. این ضرورت روانی، اگرچه طبق حقوق بین‌الملل دفاع نیست، کلید درک استراتژی حماس است.

گ recover گیری حماس: غیرقانونی اما قابل درک

در 7 اکتبر 2023، حماس 251 گروگان اسرائیلی را ربود و جهان را شوکه کرد. این عمل غیرقانونی و از نظر اخلاقی غیرقابل دفاع بود طبق کنوانسیون گروگان‌گیری 1979، که به‌طور صریح ربودن غیرنظامیان برای اجبار دولت به اقدام را ممنوع می‌کند. با این حال، حماس این تاکتیک را از هیچ خلق نکرد – این تاکتیک دارای سابقه تاریخی و منطق روانی است.

مبادله زندانیان در مورد جلعاد شالیت در سال 2011، که در آن بیش از 1000 فلسطینی در ازای یک سرباز اسرائیلی آزاد شدند، این دیدگاه را در میان فلسطینی‌ها تقویت کرد که تنها گروگان‌گیری نتایج به همراه دارد. با توجه به اینکه سیستم حقوقی اسرائیل هیچ راهی برای عدالت برای بازداشت‌شدگان ارائه نمی‌دهد، حماس از گروگان‌ها به عنوان اهرم‌های مذاکره استفاده می‌کند – استراتژی‌ای که از نظر اخلاقی نفرت‌انگیز اما از نظر سیاسی مؤثر است. بار دیگر، هدف دفاع از این عمل نیست، بلکه مواجهه با ریشه آن است: جامعه‌ای که به وحشیگری واداشته شده تا باور کند دیپلماسی و قانون هیچ ارزشی ندارند.

بنابراین، معادل‌سازی اخلاقی و حقوقی در روش‌ها – گروگان‌گیری و بازداشت – نیست، بلکه در غیرقانونی بودن ذاتی و اثر غیرانسانی آنها نهفته است. بازداشت خودسرانه اسرائیل و گروگان‌گیری حماس هر دو نقض حقوق بین‌الملل هستند و هر دو غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهند. یکی توسط دولت حمایت می‌شود، روتین است و در بوروکراسی حقوقی پنهان شده؛ دیگری نمایشی و فوری است. اما هر دو بخشی از همان چرخه اجبار، تروما و ناامیدی هستند.

رنج مشترک

اندوه در طرف اسرائیلی عمیق است. خانواده‌های گروگان‌ها عدم اطمینان دردناکی را تحمل می‌کنند، ناتوان از دانستن اینکه آیا عزیزانشان زنده‌اند یا خیر، چه برسد به اینکه کی یا چگونه بازخواهند گشت. درد آنها منعکس‌کننده درد خانواده‌های

فلسطینی است که همان غیبت، ترس و درماندگی را تحت نامی متفاوت تجربه می‌کنند: “بازداشت اداری”.

این رنج موازی باید فضایی برای همدلی ایجاد می‌کرد. در عوض، به عنوان سلاح استفاده شده است. معترضان در اسرائیل که خواستار آتش‌بس و توافق گروگان‌ها بودند، نادیده گرفته یا رد شده‌اند. خانواده‌های گروگان‌های اسرائیلی، از جمله چهره‌هایی مانند حایم روبینشتاین، به‌طور علنی دولت نتانیاهو را متهم به قربانی کردن عزیزانشان برای منافع سیاسی کرده‌اند.

فرصت از دست رفته و شکست سیاسی

راهی برای خروج از این پرتگاه وجود داشت. در اکتبر 2023، مذاکرات پشت پرده به رهبری گرشون باسکین، با میانجیگری قطر و تماس‌های حماس، چارچوبی قابل اجرا برای آزادسازی متقابل ارائه داد. اما دولت سخت‌گیر نتانیاهو، که تحت سلطه ناسیونالیست‌های افراطی مانند ایتامار بن‌گویر و بزالل اسموتریچ بود، این پیشنهادها را رد کرد. اورن ستر، که در آن زمان یکی از مقامات کلیدی در مذاکرات گروگان‌ها بود، در اعتراض به فرصت از دست رفته استعفا داد.

این یک اشتباه تاکتیکی نبود – یک شکست اخلاقی بود. اولویت دادن به تشدید نظامی به جای راه‌حل انسانی، نه اسرائیلی‌ها و نه فلسطینی‌ها را آزاد کرده است. این امر درد را عمیق‌تر کرده، رادیکالیزاسیون را بیشتر کرده و استفاده از اسیران به عنوان ابزارهای جنگی را تثبیت کرده است.

شکستن چرخه

پایان دادن به این چرخه با حملات هوایی یا نجات گروگان‌ها آغاز نمی‌شود، بلکه با از بین بردن ساختارهایی که آنها را ضروری کرده‌اند. اسرائیل باید نظام بازداشت خودسرانه و دادگاه‌های نظامی خود را – که حاکمیت قانون را نابود می‌کنند و واکنش‌های خشونت‌آمیز را پرورش می‌دهند – لغو کند. بدون رسیدگی به این بی‌عدالتی اصلی، هر آتش‌بس موقت یا مبادله‌ای فقط چرخه بعدی ربودن‌ها و خونریزی‌ها را به تعویق می‌اندازد.

عدالت نمی‌تواند گزینشی باشد. همان اصولی که گروگان‌گیری حماس را محکوم می‌کنند، باید بازداشت نامحدود و غیرقضایی غیرنظامیان توسط اسرائیل را نیز رد کنند. تا زمانی که هر دو شکل اسارت لغو نشود، هر دو ملت اسیر سیستمی باقی خواهند ماند که از رنج متقابل تغذیه می‌کند.